



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۱۳

جليل غني هروي

احساس شکست قبل از انتخابات

تا هفت روز دیگر انتخابات پارلمانی و شوری های ولایتی در افغانستان بر گذار می شود. این انتخابات باید دو سال قبل دایر می شد که به دلایل متعدد سیاسی و زد و بند های بین دولت و سردمداران سیاسی بیرون از دولت و اعضای پارلمان، با در نظر داشت منافع مشترکی که هر دو ارگان دولتی یعنی قوای اجرائیه و قوای مقننه برای استفاده اعظمی داشتند، به تعویق انداخته شد.

ضرورتی نیست که به معرفی بیکاره گی ها و استفاده جوئی های شخصی و گروهی اکثریت اعضای این پارلمان پرداخته شود و مردم افغانستان در سالهای گذشته به خوبی خدمتگاران که متأسفانه تعداد شان اندک است، و استفاده جویان را تشخیص داده اند و دیگر به این میراث خواران استعمار و استثمار جدید رای نخواهند داد.

پیش از دایر شدن انتخابات پارلمانی صف بندی های سیاسی برای جا به جایی مهره های دلخواه و معرفی چهره های معلوم الحال آغاز گردید و گروه های که سابقه دشمنی و جنگ های دیرینه چندین دهه داشتند باز هم در کنار هم قرار گرفتند تا از منافع نامشروع یکدیگر دفاع کرده باشند. درین میان در چند ماه اخیر گروه بندی ها و صف بندی ها شدت گرفت و چند ماه قبل بود که تشکیلی به نام «ائتلاف بزرگ ملی» اعلام شد که دران تنظیم های جهادی سابقه و برخی دیگر از جریان های سیاسی سابقه و یا جدید تشکیل گرد هم آمدند تا کاندید های مورد تأیید شانرا جهت حفظ موقف های از دست رفته درین انتخابات معرفی دارند.

روز پنجشنبه تشکل جدید سیاسی دیگری به نام «مجمع بزرگ وحدت ملی» به ابتکار گلبدین حکمتیار عرض وجود کرد که دران نیز تعدادی از همان گروه های قبلی ائتلاف بزرگ ملی و یک تعداد جریان های سیاسی و شخصیت های دیگر اشتراک دارند. جالب اینست که آقای حکمتیار و حزب اسلامی او عضویت "ائتلاف بزرگ ملی" را هم دارند. تشکیل "مجمع بزرگ وحدت ملی" عدم صداقت و تعهد آقای حکمتیار و بعضی دیگر از جریان های که در ائتلاف بزرگ ملی هم شریک هستند و همچنان اختلاف بین این تنظیم ها و جریان های سیاسی را بر جسته می سازد که ریشه دیرینه دارد و به دوران مقاومت مردم افغانستان در برابر تجاوز نظامی اتحاد شوروی سابقه با مرکزیت این تنظیم ها در پیشاور و تهران بر میگردد. در صورتی که هنوز طرح مشترکی و یا مشی مشترکی برای آینده افغانستان و دید گاه های هر یک از اعضا، مورد بحث قرار نگرفته و به جز خواست آنها در رابطه با انتخابات اعلام نشده، این اختلافات از هم اکنون نمایان است، آیا به فرض محال اگر آنها اکثریت پارلمانی را بدست آورند و یا خدای نخواست زعامت افغانستان را حاصل کنند باز هم همان خاطره سالهای 1992 تا 1996 را زنده نخواهند کرد؟ بیدار باشید ای ملت با شهامت افغانستان که رای شما آینده افغانستان را رقم می زند.

این تنظیم ها و جریان های سیاسی قبل از دایر شدن انتخابات با صدور اعلامیه ها و قطع نامه های خواستار تغییر نظام انتخاباتی و تعیین سهمیه های مشخص برای احزاب گردیدند که از اساس مغایر قانون اساسی افغانستان است چون قانون اساسی افغانستان رای واحد و غیر قابل انتقال را حکم میکند نه رای قابل انتقال.

احزاب و به خصوص تنظیم های جهادی به خوبی میدانند که نقاب از چهره های آنها بر داشته شده و دیگر مردم افغانستان فریب آنها را نمی خورند و به کاندید های که آنها معرفی نمایند، رای نخواهند داد و هیچ یک از این جریان های جهادی و غیر جهادی به تنهایی موفق به راه یافتن به پارلمان نخواهد شد بناءً کوشش دارند بطور مشترک به کاندیدانی رای جمع آوری نمایند که امکان راه یافتن شان به پارلمان بیشتر است.

از جانبی وقتی به لیست کاندید ها نظر انداخته شود نیروی جوان و جوانان تحصیل یافته و نسل جدیدی از مردم افغانستان دیده می شود که از خاکستر جنگ چهل سال اخیر سر بلند نموده و دیدگاه تازه و گسترده تری در رابطه با اوضاع داخلی و منطقوی و جهانی دارد و درین مدت هفده سال گذشته بعد از سقوط نظام متحجر طالبی نقش براننده و مؤثری در باز سازی و روشنگری اذهان داشته است. مردم به این نسل جوان و صداقت آن اعتماد دارند و نه تنها خاطرات خوشی از تنظیم ها و جریان های سیاسی به خصوص در هفده سال گذشته ندارند بل شاهد

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

ملیونر شدن رهبران و اعضای برجسته و وابستگان این جریانات از پول های هستند که برای باز سازی و رفاه مردم زجر کشیده افغانستان داده شده بود.

در حقیقت انتخابات پیش رو چه انتخابات پارلمانی و چه انتخابات ریاست جمهوری آینده، تقابلی است بین نسل نو و آگاه و نسلی که در چهل سال گذشته در گیر جنگ و خونریزی و ویرانی بوده چه با حکومت های وقت و چه بین تنظیم ها و کشتار ده ها هزار انسان بیگناه برای کسب قدرت نه به منظور خدمت و یا هدفی که مردم افغانستان برای حصول آن قربانی بی شمار دادند. با تاسف که با خروج اجباری قشون سرخ از افغانستان و رویکار شدن حکومت تنظیمی تمام آرزو ها و امیدواری های مردم افغانستان به یاس مبدل گردید. نه از آسودگی و آزادی خبری بود و نه از حکومت اسلامی که ملیونها انسان بیگناه برای بر آورده ساختن این هدف پاک قربانی دادند و بعد از چهار سال جنگ و ویرانی بین گروه های که امروز باز هم دست به دست هم میدهند تا متحدانه! برای کسب قدرت و حاکمیت تلاش نمایند. همان تنظیم های که کابل را به ویرانه مبدل ساختند و یکی لقب قصاب کابل، دیگری ویرانگر و آن دیگری فاتح و . . . گرفتند باز هم پهلوی هم نشسته اند و طرح باز پس گیری قدرت را می ریزند. تمام این تلاش ها واکنشی است در برابر تبارز نسل جدید و احتمال کسب کرسی های بیشتر در پارلمان آینده افغانستان.

این رهبران و اعضای ائتلاف ها بوی یاس و شکست را از همین حالا احساس میکنند و مشام آنها را می سوزاند. این جریانات سیاسی و تنظیمی که چنین واکنشی را دو ماه قبل احساس کرده بودند فشار آوردند تا از سیستم بابو متریک در انتخابات استفاده شود تا از تقلب جلوگیری گردد. دولت و کمیسیون مستقل انتخابات هم با فشار های جامعه بین المللی و افکار عامه زمینه استفاده از این سیستم را فراهم نمود. نگرانی جامعه جهانی و جریان های سیاسی با تقلب های وسیعی که در انتخابات ریاست جمهوری سال 2014 صورت گرفت موجه بود و اکنون اطمینان داده شد که این دستگاه ها به پنج هزار مرکز رای دهی در سراسر افغانستان در حال فرستادن است. اما حالا بهانه چیست؟ برای توجیه یک شکست قطعی که تنظیم های جهادی و جریان های سیاسی پیش بینی میکنند، تبلیغات و بهانه جوئی های تازه ای شکل می گیرد.

آقای حکمتیار که مبتکر «مجمع بزرگ وحدت ملی» است روز جمعه در دومین روز نشست این مجمع اظهار داشت که «برنده و بازنده انتخابات را سفارت ها مشخص خواهند کرد» او می گوید «انتخابات در 35 در صد خاک افغانستان دایر می شود و بقیه مناطق عمداً نا امن ساخته شده تا انتخابات در آن جا ها دایر شده نتواند.» آقای حکمتیار خوبی میداند که رای مردم را نمایندگان او بدست آورده نمی توانند و از همین حالا زمینه سازی میکند تا باز نتیجه این انتخابات را قبول نکند و اعلام نماید که قبلاً میدانست که این انتخابات مشروعیت ندارد. آقای حکمتیار که برای عوام فریبی همیشه سخن از انتخابات می زند به اصل انتخابات و مردم سالاری بنا بر باور های حزبی خود معتقد نیست چون به اعتقاد او انتخابات باید برای احزاب باشد نه افراد. اصل انتخابات به حیث یکی از ارکان عمده ای مردم سالاری و دموکراسی نزد آقای حکمتیار و هم قطارانش یک پدیده غربی و منافی سیاست های حزب اسلامی است. با شکست اعضای حزب اسلامی و هم پیمانانش انتظار یک بحران سیاسی دیگر و درد سر دیگری برای افغانستان می رود مگر اینکه فشار های داخلی و جامعه بین المللی نگذارد که چنین انکشاف نا میمونی سر بلند کند.

آقای حکمتیار بخاطر دارد که اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال 2014 با فشار سفیر برتانیه معطل گردید چنانچه داکتر سپینا مشاور پیشین رئیس جمهور کوزی در صفحه 859 « سیاست افغانستان روایتی از درون» می نویسد "در انتخابات ریاست جمهوری سال 2014 اعلام نتایج شمارش آرا با مداخله سفارت انگلستان معطل گردید."

حالا هم آقای حکمتیار فکر میکند که باز هم نتایج انتخابات را سفارت های مشخص تعیین خواهند کرد. آقای حکمتیار و همقطارانش احساس میکنند که در انتخابات پارلمانی پیش رو و همچنان در انتخابات ریاست جمهوری آینده نمی توانند اکثریت آرا را بدست آورند با وصف آن که اعلام نمود که با جمعیت اسلامی در مذاکره است که در انتخابات ریاست جمهوری کاندید مشترکی را معرفی خواهند کرد.

اما یک عامل دیگر را نیز درین انتخابات باید در نظر داشت و آن فقر مردم است و تعداد زیادی از کاندید ها با استفاده از ثروت های باد آورده، رای مردم فقیر و بی نوا را خواهند خرید و از فقر و احتیاج آنها سوء استفاده خواهند کرد. ولی حالا این منوط و مربوط به مردم افغانستان و به خصوص کاندید های جوان و غیر وابسته و صادق به مردم و وطن و نویسندگان و روشنفکران و قلم بدستان است که مردم را آگاه سازند تا باز فریب این دلالان سیاسی را نخورند.

پایان